

نتایج جنگ روسیه و اوکراین در شکل‌گیری نظم نوین جهانی

فتح... کلانتری^۱، حسن محمدی منفرد^۲

چکیده

راهبرد اصلی روسیه در طی سالهای گذشته جلوگیری از پیشروی و نفوذ ناتو به شرق و محیط امنیتی نزدیک روسیه و ممانعت از پیوستن اوکراین به اتحادیه اروپا بوده است. بر این اساس طی یک عملیات ویژه که از نظر کرملین، اقدامی پیش‌گیرانه برای جلوگیری از تهدیدهای آتی قلمداد می‌گردد، جنگ بین روسیه و اوکراین آغاز شد. هدف اصلی تحقیق تبیین ویژگی‌ها، سناریوها و اهداف جنگ روسیه و اوکراین در شکل‌گیری نظم نوین جهانی است. نوع پژوهش کاربردی است و به روش اکتشافی و تحلیل محتوا، بصورت کیفی نظام‌مند انجام گردیده است، روش گردآوری داده‌ها اسنادی و کتابخانه‌ای و مصاحبه با ۱۰ نفر از خبرگان است. بر اساس یافته‌های تحقیق ویژگی‌های جنگ در ۹ دسته - بندی مختلف بیان شده است، جنگ بین روسیه و اوکراین فرسایشی و هر دو کشور عملاً در باتلاق جنگ گرفتار شده - اند. آنچه امروز بر سر اوکراین آمده نتیجه اعتماد به غرب است. روسیه سه هدف حداکثری، متوسط و حداقلی را در این جنگ دنبال کرد که به هدف حداقلی یعنی کنترل منطقه دونباس رسیده است. نتایج تحقیق بیانگر این است که جنگ روسیه و اوکراین دارای ۳۵ ویژگی خاص می‌باشد. روسیه از نظر شکل نظامی برنده حداقلی جنگ بوده اما از منظر «جنگ روایت‌ها» شکست خورده است. دکترین نظامی اوکراین از «تدافعی به تهاجمی تغییر یافته است». دکترین نظامی روسیه از حالت «تهاجمی به تدافعی» تبدیل شده است. نتیجه اولیه این جنگ شکل‌گیری نظم چند قطبی و پایان نظم تک قطبی با محوریت آمریکا است.

واژگان کلیدی: دفاع مشروع، جنگ پیشگیرانه، نظم جدید، روسیه، اوکراین.

^۱ - عضو هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی، نویسنده مسئول، ff.ka@chmail.ir

^۲ - دانش‌آموخته دکترای مدیریت راهبردی.

مقدمه

ریشه بحران کنونی روسیه در خاک اوکراین پیچیدگی های چند بعدی خاص خود را دارد که صرف تقلیل آن به موضوع گسترش ناتو به سمت شرق و مرزهای روسیه بسیاری از واقعیات موجود را در بر نمی گیرد. برای ریشه یابی بحران روسیه و اوکراین لازم است با دیدی وسیعتر به تاریخ شکل گیری دو کشور روسیه و اوکراین بازگردیم، روسیه و اوکراین میراث تاریخی مشترک دارند و یک ملت تاریخی هستند که قدمت پیوند آنان به هزار سال پیش باز می گردد. طی قرون وسطی اوکراین، بخش جدا ناشدنی از یکی از قطعات اصلی در فرهنگ اسلاوهای شرقی بوده است، به صورتی که فدراسیون قبیله ای روس_کیف، پایه ای برای هویت روس و اوکراین را تشکیل می داد. بی جهت نیست که کی یف را مادر شهرهای روس می نامند. از قرن سیزدهم میلادی که مهاجمان مغول به روسیه حمله و کی یف را با خاک یکسان کردند، رفته رفته آن نقطه ثقل جغرافیایی و هویتی روسیه از کی یف به مسکو تغییر جایگاه داد و کی یف به حاشیه رفت. پس درهم تنیدگی تاریخی این دو ملت را می توان عمیق دید. از این رو به لحاظ تاریخی، روسیه اوکراین را جزء جدانشدنی سرزمین مادری خود می داند. ولادیمیر پوتین، اوکراین را بخشی از هویت تاریخی و فرهنگی روسیه تلقی می کند و براین باور است که اوکراین بخش جدایی ناپذیر و غیر قابل انفکاک از روسیه می باشد. از سال ۲۰۰۰ که پوتین روی کار آمد بحث احیای روسیه مطرح شد تا جایی که روسیه در سال ۲۰۱۴ به بحران اوکراین ورود و استقلال کریمه را به رسمیت شناخت و سپس آن را به روسیه منضم نمود. از طرفی افول تدریجی غرب و آمریکا و استیصال آنها در موضوعات مختلف، رهبران روسیه را به این نتیجه رساند که شرایط نظام بین الملل به گونه ای است که با توجه به ظرفیت های موجود سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی در روسیه نسبت به احیای اقتدار مجدد فدراسیون روسیه به عنوان یک ابرقدرت و ورود به ایجاد ترتیبات جدید در ساختار نظام بین الملل اقدام نماید. در دهه ۹۰ میلادی و پس از فروپاشی شوروی و اعلام استقلال و جدایی اوکراین از شوروی سابق جهت گیری های کلی داخلی و سیاست خارجی اوکراین هر چه بیشتر به سمت آمریکا و غرب متمایل گردید. از طرفی بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴ و تحریم های غرب علیه روسیه در سال های مذکور تأثیری منفی بر جامعه داخلی روسیه گذاشته و روسیه را تحت فشار قرار داده است. به همین دلیل رهبران کرملین باید پاسخگو تهدیدهای آتی برای شرایط داخلی در کشور باشند. مسکو به دولت های غربی هشدار داده بود که

ادامه روند مسلح‌سازی اوکراین در برابر روسیه می‌تواند عواقبی غیرقابل پیش‌بینی برای امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی بدنبال داشته باشد. از دید روسیه یکی از دلایل مهم تصمیم برای اجرای عملیات ویژه بحث‌نگرانی از عضویت احتمالی اوکراین در ناتو بوده است، موضوعی که خط قرمز مسکو محسوب می‌شد. همچنین روسیه نگران بود فرصت برای تهاجم نظامی با گذشت زمان و تقویت تدریجی وضعیت دفاعی اوکراین مشکل‌تر شود، لذا شرایط را برای این تهاجم در برهه کنونی مناسب دید. اهمیت اجرای تحقیق این است که باعث آشکار شدن اهداف شوم آمریکا و ناتو مبنی بر وجه‌المصالحه قرارداد مردم اوکراین و استفاده از کارت این کشور برای تقابل با تهدید سنتی خود یعنی روسیه می‌شود. کم‌توجهی به نتایج تحقیق باعث تغییر موازیک امنیت جهانی به نفع ناتو و تداوم نظم تک‌قطبی و غفلت از شکل‌گیری نظم چندقطبی در سطح جهان می‌گردد. بنابراین جنگ روسیه و اوکراین تهدیدها و فرصت‌هایی را برای منطقه آسیا داشته است، یکی از فرصت‌ها این است که مانع از توسعه و گسترش ناتو به سمت شرق شده و در صورت پیروزی روسیه باعث شکل‌گیری نظم چندقطبی در جهان می‌شود. یکی از تهدیدها این است که احتمال دارد به جنگ فراگیر در منطقه آسیا تبدیل شود و باعث پیروزی ناتو و شکل‌گیری جهان تک‌قطبی به رهبری آمریکا شود. چالش و دغدغه اصلی محقق این است که زیاده‌طلبی غرب برای توسعه ناتو به سمت شرق و عکس‌العمل روسیه در مقابل ناتو ممکن است منجر به جنگ طولانی مدت شود، بنابراین آنچه که بعنوان سوال اصلی تحقیق ذهن محقق را به خود معطوف نموده این است که اهداف، سناریوها و ویژگی‌های جنگ روسیه و اوکراین و پیامدهای آن بر نظم جهانی چگونه است؟ بر این اساس سوالات فرعی عبارتند از: ۱- اهداف و سناریوهای جنگ روسیه و اوکراین کدامند؟ ۲- ویژگی‌های جنگ روسیه و اوکراین کدامند؟ ۳- پیامدهای جنگ روسیه و اوکراین بر نظم جهانی چگونه است؟ اهداف تحقیق متناظر با سوالات می‌باشد. این مقاله اکتشافی بوده و به دنبال اثبات متغییر نیست به همین دلیل فرضیه ندارد. نظم نوین جهانی متغییر تابع و جنگ روسیه و اوکراین متغییر مستقل است که در بخش مبانی نظری تشریح شده‌اند.

مبانی نظری

- پیشینه‌شناسی

تعداد ۷ پیشینه که ارتباط نزدیکی با این مقاله دارد به شرح زیر بیان می‌گردد:



۱- حافظ نیا در مقاله خود با عنوان «سناریوهایی برای آینده جهان در پرتو بحران اوکراین» (۲۰۲۲)؛ به سناریوهای جنگ روسیه و اوکراین برای آینده جهان می پردازد. حافظ نیا، سناریوهای احتمالی برای آینده جهان در پرتو بحران اوکراین را چنین برمی شمارد: (۱) جنگ محدود و کنترل شده، با برتری روسیه؛ (۲) جنگ محدود و کنترل شده، با شکست روسیه؛ (۳) آتش بس فوری و سازش؛ (۴) جنگ نامحدود اما قابل کنترل؛ (۵) جنگ نامحدود و غیرقابل کنترل.

۲- چنوی در مقاله «جنگ روسیه و اوکراین و نظم جهانی در حال تغییر» (۲۰۲۲)؛ در این مقاله تأکید شده است که هیچ جایگزینی برای امنیت مشترک و مشارکتی که فراگیر باشد وجود ندارد. استانداردهای دوگانه در اجرای حقوق بشر و جنگ‌های تهاجمی انتخابی علیه کشورهای کوچکتر توسط قدرت‌های بزرگ منجر به مشروعیت‌زدایی از نهادهای چندجانبه و جهانی ناامن برای همه شده است. جنگ روسیه در اوکراین، تغییر نظم جهانی را تسریع بخشیده است و به سمت موازنه قوای مجدد می رود. کشورها و تحلیلگران در حال محاسبه پیامدهای تعادل مجدد موازنه قوا و تعیین موقعیت برای تغییرات مهم هستند.

۳- «یفرمنکو» در مقاله نظم جهانی Z: برگشت ناپذیری تغییر و چشم انداز بقا « (۲۰۲۲) به علل و پیامدهای احتمالی جهانی بن بست نظامی بین روسیه و اوکراین پرداخته که حادثه‌ترین مرحله رویارویی ژئوپلیتیکی بین روسیه و غرب است. تصمیم رهبری روسیه برای راه اندازی یک عملیات نظامی ویژه در اوکراین با استفاده از مفهوم امنیت هستی شناختی تحلیل می شود. پیامدهای اقتصادی و مالی این تضاد ممکن است منجر به از هم گسیختگی مدل فعلی جهانی شدن شود و انتقال به مدلی از گردش جهانی دوگانه بین مراکز عمده نفوذ سیاسی و اقتصادی را تسهیل کند.

۴- مولیگان در مقاله خود «فرسایش‌ها، گسیختگی‌ها و پایان نظم‌های بین‌المللی: تهاجم پوتین به اوکراین از منظر تاریخی» (۲۰۲۲)؛ استدلال می‌کند که حمله پوتین به اوکراین چالشی متمایز برای نظم بین‌المللی لیبرال است. این تهاجم اصول محدودیت راهبردی را به چالش می‌کشد، نشان می‌دهد که وابستگی متقابل اقتصادی می‌تواند منجر به درگیری خشونت‌آمیز و همچنین ترویج همکاری و صلح شود و نیاز به توجیه‌های هنجاری جدیدی دارد. این جنگ همچنین تناقضات گسترده تری را در نظم بین‌المللی لیبرال نشان داد که به زمان ساخت آن پس از جنگ سرد بازمی‌گردد.

۵- سمیعی اصفهانی و فرهنگ در مقاله خود با عنوان تبیین چرایی و چگونگی شکل‌گیری جنگ روسیه و اوکراین بر پایه نظریه موازنه تهدید» (۱۴۰۱)؛ به این نتیجه رسیدند درک تهدید و خطرات

ناشی از تحرکات و اقدامات آمریکا و ناتو در اروپای شرقی و بویژه اوکراین باعث شده که عزم پوتین برای مقابله با پیشروی ناتو، حالت تهاجمی به خود بگیرد و باعث تهاجم روسیه به اوکراین گردد.

۶- درویش، رضاداد (۱۴۰۱). «جنگ اوکراین؛ درآمدی بر نظم جهانی جدید»، روسیه و بازیگران هم‌فکر آن نه تنها خواهان بازی با قواعد آمریکایی در زمین اروپا نیستند بلکه کنشگری آنها در تعیین نوع و ماهیت پیامدهای احتمالی این جنگ و تاثیر آن بر نظم جدید تعیین‌کننده خواهد بود. اگر تلاش اردوگاه غرب به رهبری آمریکا در اقدام خود علیه روسیه قرین موفقیت نباشد، جهان در آینده‌ای نه‌چندان دور شاهد نظم دیگری در سطح جهانی خواهد بود. ناتوانی آمریکا در تحمیل یک‌جانبه واقعیت‌ها بر دیگران، از مشخصات بارز نظم جهانی در حال شکل‌گیری است. این واقعیت جدید به معنای قدرت‌یابی دیگران به تناسب قدرت و نوع بازیگری آنها در این عرصه خواهد بود.

۷- وحید افراسیابان (۱۴۰۱). «سه‌گانه آمریکا، روسیه و اوکراین در ساختار نظام بین‌الملل»، در مقام پاسخ می‌توان جنگ اوکراین و روسیه را عرصه رقابت مستقیم آمریکا و روسیه در ساختار نظام بین‌الملل دانست. بر اساس نتایج آمریکا به دنبال ایجاد کانونی برای تنش و جنگ نیابتی طولانی‌مدت در اوکراین برای روسیه است، یک جنگ فرسایشی که تنش بین اروپا و روسیه را کماکان باقی‌گذارد و ضریب اطمینانی را برای حضور آمریکا در اروپا برای دهه‌های آینده حفظ نماید.

در مقاله اول به سناریوهای جنگ روسیه و اوکراین پرداخته و در مقاله‌های دوم و سوم و ششم به تغییر نظم جهانی از تک قطبی به چندقطبی پرداخته که با این مقاله مشترک است. در مقاله پنجم به موازنه قوا پرداخته که با این مقاله اختلاف دارد. در مقاله هفتم به جنگ فرسایشی پرداخته که با این مقاله مشترک است. مهمترین نوآوری این مقاله با پیشینه‌های یاد شده این است که، علاوه بر اهداف و سناریوها به ویژگی‌های منحصر بفرد جنگ روسیه و اوکراین پرداخته است.

چارچوب نظری تحقیق

دفاع مشروع

دفاع مشروع، اعم از فردی و جمعی، مقدمه امنیت دسته جمعی است. و دارای ماهیت تدافعی است نه سرکوب‌گرانه و در تحول هم اگر ماهیت تنبیهی پیدا کرده باشد در فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد ماهیت دفاعی دارد.

شرایط دفاع مشروع:

۱- وقوع حمله‌ی نظامی شرط اصلی برای دفاع مشروع است و هرگونه حمله‌ی پیش‌گیرانه در این



خصوصاً فاقد ارزش حقوقی بوده و دفاع محسوب نمی‌شود. دفاع مشروع حتماً باید مسبوق به تهاجم نظامی باشد و تهاجمات ایدئولوژیک فرهنگی یا اقتصادی اساساً تجاوز محسوب نمی‌شوند.

۲- دفاع مشروع ضرورت داشته باشد، یعنی اینکه دفاع مشروع زمانی می‌تواند انجام شود که راه‌های دیپلماتیک و غیر نظامی جهت رفع تجاوز وجود نداشته باشد.

۳- میان حمله و دفاع تناسب وجود داشته باشد، اساساً تعیین این که تجاوزی صورت گرفته یا خیر، در اختیار شورای امنیت است و در صورت بروز تجاوز، بایستی دفاع مشروع متناسب با آن باشد.

۴- دفاع برای آنکه مشروع باشد، باید فوری بوده و با سرعت متعاقب تجاوز صورت گیرد، چنانچه تجاوز انجام و پایان گرفته باشد و دفاع مدتی پس از آن صورت گیرد، دفاع مزبور مشروع تلقی نخواهد شد، بلکه اقدام تلافی جویانه است، مگر اینکه تجاوز و اشغال استمرار داشته باشد.

۵- چنانچه اقدامی به عنوان دفاع مشروع صورت گیرد باید فوراً به شورای امنیت گزارش و اطلاع‌رسانی شود. هدف از تدوین ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد، این بوده تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم و ضروری را برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی انجام نداده است، دولت‌ها بتوانند در صورتی که مورد حمله مسلحانه قرار گرفته باشند، به طور مقدماتی و موقتی از خود دفاع کنند. در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، شورای امنیت به عنوان یک نیروی دولتی و عمومی عمل می‌کند و دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل اقدامی موقت و مقدمه‌خاص شورای امنیت است. بنابراین بایستی دامنه‌ی دفاع مشروع را با تفسیر موسع، آنچنان افزایش داده که به ابزاری برای توجیه جنگ ناعادلانه تبدیل شود. جنگ روسیه و اوکراین در قالب دفاع مشروع انجام شده است، اگر تهاجم و تهدیدی قریب‌الوقوع باشد، اقدام دفاعی صورت گرفته در قبال آن را دفاع مشروع گویند. (آقاباقری، ۱۳۹۳: ۲۹). دفاع مشروع بر دو نوع است:

الف- جنگ پیش‌دستانه: جنگی است که بر مبنای وجود شواهد بی‌چون و چرای از حمله قریب‌الوقوع دشمن، آغاز می‌گردد (افتخاریان، ۱۳۸۰، ۶۱۶). حمله یا اقدام یک کنشگر به قصد از میان بردن امکان حمله قریب‌الوقوع طرف دیگر را جنگ پیش‌دستانه می‌گویند. جنگ پیش‌دستانه معمولاً زمانی می‌تواند آغاز شود که یکی از طرف‌های درگیر، خطر حمله حریف را اجتناب‌ناپذیر و فوری فرض کند یا برای دست‌یابی به برتری راهبردی مدعی اجتناب‌ناپذیری و فوریت حمله شود. در تعریف علوم سیاسی فرق جنگ پیش‌دستانه با جنگ پیش‌گیرانه این است که در نوع اول حمله‌کننده، تهاجم حریف را قریب‌الوقوع و فوری می‌داند و بر پایه آن عمل می‌کند ولی نوع دوم در پاسخ به

تهدیدات کمتر فوری صورت می‌گیرد. در جنگ پیش‌دستانه، فوری و قطعی بودن اصل تهدید، نکته محوری است. جنگ پیش‌دستانه، راه‌حلی بر این باور است که حمله دشمن اجتناب‌ناپذیر و فوری است و از این‌رو، فرصت اندکی برای جلوگیری از آغاز آن وجود دارد. جنگ پیش‌دستانه از نظر حقوق بین‌الملل تا حدودی قابل قبول است. (شریفی، ۱۳۸۲، ۹۶).

ب- **جنگ پیشگیرانه:** جنگی است که به منظور بازداشتن طرف دیگر از دستیابی به قابلیت حمله آفند آغاز می‌شود. قدرت مورد تهاجم یا دارای قابلیت تهدید پنهان است یا از طریق رفتار خود نشان داده که قصد دارد در آینده حمله‌ای را در پیش بگیرد. هدف از جنگ پیشگیرانه تغییر توازن قدرت به وسیله حمله استراتژیک پیش از تغییر توازن قدرت در جهت دشمن است. جنگ پیشگیرانه بدون حمایت سازمان ملل متحد در چارچوب حقوق بین‌الملل مدرن ممنوع است. پس جنگ پیش‌گیرانه به مواردی گفته می‌شود که یک دولت برای سرکوب هرگونه احتمال حمله آتی توسط دولتی دیگر، به زور متوسل می‌شود حتی در مواردی که هیچ دلیل و اعتقادی مبنی بر طراحی حمله وجود ندارد و مواردی که هیچ حمله اولیه‌ای صورت نگرفته است (شریفی، ۱۳۸۲: ۹۷). شرایط محیطی بین روسیه و اوکراین بیانگر آن است که این جنگ از نوع پیشگیرانه بوده است، در دیداری که پوتین با مقام معظم رهبری داشتند، حضرت آقا فرمودند اگر شما ابتکار عمل را بدست نمی‌گرفتید، طرف مقابل با ابتکار خود، موجب وقوع جنگ می‌شد. این فرمایش معظم له بیانگر پیشگیرانه بودن جنگ است. جنگ پیشگیرانه زمانی روی می‌دهد که کشور قدرتمند احساس کرده که در اثر پیشرفت قدرت‌های دیگر، به تدریج موقعیت بین‌المللی و منطقه‌ای خود را از دست می‌دهد. درک قدرت‌های بزرگ از بهم خوردن موازنه قدرت به ضرر آنها منجر به اجرای جنگ پیشگیرانه می‌شود.

عملیات ویژه

نیروهای عملیات ویژه روسیه، نخبگانی هستند که هر جنگنده از آنها یک متخصص درجه یک است و تحت امر ستاد کل نیروهای مسلح فدراسیون روسیه است که در سال ۲۰۰۹ تأسیس شد. اجرای عملیات ویژه با روش‌های معمولی غیر ممکن است و برای محافظت از منافع دولت در یک قلمرو خاص انجام می‌شود. اساس روش شناختی فعالیت‌های آنها در بیشتر موارد، پنهان‌کاری است. نیروهای واکنش سریع یا یگان‌های نخبه زمینی در تنش‌های غیرمتعارف بکار گرفته می‌شوند، از جمله یگان‌ها می‌توان به واحدهای پیاده هوای اسپتسناز^۱ و فرماندهی عملیات-



^۱ - Spetsnaz

های ویژه کوچک اشاره کرد. این واحدها از بالاترین سطح آمادگی در ارتش روسیه برخوردارند و به محض اعلام، می‌توانند به تنش‌های منطقه‌ای پاسخ گفته و یا به محل ماموریت اعزام شوند. در واقع، این نیروها در سطح گسترده‌ای در اوکراین و سوریه بکارگرفته شده‌اند که ماموریت آنها در این نقاط شامل شناسایی ویژه، ماموریت‌های سری و اقدام مستقیم، جنگ‌های نامتعارف و کار کردن با گروه‌های نیابتی بوده است که این نشان می‌دهد که این واحدها از یک نقش بنیادین و متفاوت نسبت به واحدهای سنگین‌تر نیروی زمینی برخوردارند. (Monica, 46, 2020)

جنگ آینده

نگاه به آینده، پیش‌بینی آینده و سناریوهای محتمل در مورد آینده نیز از مباحث رایج و گسترده در محافل علمی، مطبوعاتی و تصمیم‌گیری است که در کنار مباحث جنگ آینده به غنای این بحث می‌افزاید. یک نظریه‌ی کلی در مورد جنگ آینده وجود دارد که همه‌ی بازیگران احتمالی جنگ آینده، برای ادامه‌ی بقا در فضای رزم آینده، باید دارای چهار اصل یا ویژگی عمده باشند و یا باید چهار ابزار را به‌خدمت بگیرند: ۱- تفکر تأثیرمحور؛ ۲- الگوی رفتاری شبکه محور؛ ۳- ساختار انعطاف‌پذیر و پیچیده؛ ۴- ترکیب خلاقانه‌ی فن‌آوری‌های نرم و سخت. (زهدی و کلانتری، ۱۳۹۶: ۱۵۴)

نظم نوین جهانی

آمریکا پس از فروپاشی شوروی درصدد مسلط نمودن هژمون خود بر دنیا درآمد و تئوری نظم نوین جهانی را با هدف رهبری بلامنازع در جهان مطرح نمود. نظم نوین جهانی به رهبری آمریکا در پی تحقق حاکمیت واحد در دنیا بوده و با ارائه ارزشها و هنجارهایی نظیر حقوق بشر، لیبرال دموکراسی و تجارت آزاد که بر مبنای اندیشه آمریکایی - غربی بنیان شده بر فرهنگ، تمدن و نظامات بین الملل حاکم نماید، هم اکنون با ظهور قدرت‌های جدید این نظم از سوی بسیاری از کشورها مورد انتقاد قرار گرفته و به چالش کشیده است. تغییرات مذکور موجب تغییر در سمتگیری سیاست خارجی بازیگران عمده نظم نوین جهانی در قبال مسائل بین المللی و منطقه ای شده است. عملکرد جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک بازیگر فعال منطقه ای همواره دنبال به چالش کشیدن این نظم بوده و می‌باشد. به گونه ای که؛ حضرت آیت الله خامنه ای در این زمینه می‌فرمایند: «آن روزی که بعد از فروپاشی اردوگاه کمونیزم، رئیس جمهور وقت آمریکا نظم نوین جهانی را اعلام کرد، هدف استکباریِ دیرین آمریکا را آشکار کرد؛ ما فی‌الضمیر خودش و دستگاه سیاستگذار آمریکایی را نشان

داد و آشکار کرد (بیانات حضرت آیت الله خامنه‌ای: ۱۳۸۰/۱۲/۲۷). ایشان همچنین نظم نوین آمریکایی را به دلیل نادیده انگاشتن هنجارهای اخلاقی مانند صلح، خلع سلاح و مسائل مربوط به حقوق بشری زیر سؤال برده و دلیل این امر را دوگانگی عمل و نیت آنها ذکر می‌کند و در این باره می‌فرماید: «این نظم نوین جهانی که استکبار بیان می‌کند، سخنی است که نیت‌های بسیار خائنانه و خیانت‌آمیزی پشت سر آن است» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۸۰/۷/۵).

روندهای موجود نشان از افول نسبی قدرت غرب در سطح یک کنشگر غالب جهانی دارد و قد برافراشتن دیگران در نظام بین‌الملل به تحدید قدرت آن انجامیده است.

در ارتباط با نظم بین‌المللی نیز بین روسیه و ایالات متحده اختلاف نظر وجود دارد. از زمان پایان جنگ سرد، مقامات و تحلیلگران روسی دیدگاه‌های تندتری نسبت به نظم بین‌المللی تحت رهبری ایالات متحده ابراز کرده‌اند. به عبارت بهتر پس از پایان جنگ سرد، روسیه همواره یکی از منتقدین اصلی نظم تک قطبی به رهبری ایالات متحده بوه است. از دید رهبران روسیه از جمله شخص ولادیمیر پوتین؛ واشنگتن این واقعیت را درک نمی‌کند که در دهه‌های اخیر، «مراکز قدرت جدید» با «نظام‌های سیاسی و نهادهای عمومی» و همچنین «مدل‌های رشد اقتصادی» خود در حال شکل‌گیری و به دست آوردن جایگاهی هستند که حق حمایت از خود، و تضمین حاکمیت ملی را دارند. بنابراین دوران به اصطلاح نظم جهانی تک قطبی به پایان رسیده است (Putin, 2022). در مقابل نظم مطلوبی که روسیه از آن حمایت می‌کند نظم بین‌المللی چند قطبی است. نظم چند قطبی در حالت کلی به معنای توزیع قدرت به صورت مساوی در بین بیش از دو دولت-ملت است. تعامل روسیه با مفهوم نظم چند قطبی با دیدگاه بلندمدت سیاست خارجی این کشور که به دنبال دور کردن نظام بین‌الملل از نظم تک قطبی تحت سلطه ایالات متحده بوده، هدایت می‌شود.

بنابراین در اصطلاح سیاسی روسیه، چندقطبی بودن، مظهر جهان بینی خوش‌بینانه‌ای که مبتنی بر توزیع «عادلانه» قدرت در میان انواع قطب‌ها است. این با مفهوم رئالیستی از چند قطبی که بیشتر توازن قدرت را مدنظر دارد متفاوت است. برای انواع گفتمان‌های روسی، چند قطبی بودن بیشتر در مورد مدیریت تنوع اجتناب‌ناپذیر جهانی است و به همین دلیل هم هست که تلاش‌های مسکو برای چندقطبی‌سازی موازی با انکار شفاهی سیاست موازنه قدرت است که نشان‌دهنده اشتیاق روسیه برای گسست لفاظی میراث جنگ سرد است (Makarychev, 2011: 2). از دید روسیه تنش ذاتی بین تمایل هژمون برای سلطه و تنوع منافع سیاست خارجی کشورها، صلح و ثبات جهانی را



تضعیف می کند، به ویژه زمانی که هژمون به اجبار نیروی نظامی و تحریم های اقتصادی متوسل می شود. بنابراین تنها ابزار حکمرانی جهانی که قادر به نمایندگی رضایت بخش از منافع ملی متنوع و کنترل انگیزه های مخرب هژمون است، قوانین بین المللی و دیپلماسی چندجانبه است که در درجه اول در سازمان ملل و شورای امنیت تجلی می یابد (Budnitsky, 2020:5).

تأثیر جنگ روسیه و اوکراین در شکل گیری نظم جدید جهانی

در این بین، جنگ اوکراین مباحث محافل سیاسی را به دو فرضیه اصلی رسانده است:

۱) فرضیه اول حاکی از پایان نظم جهانی است که دلیل آن به پایان رسیدن جهان تک قطبی به رهبری آمریکا است. پروفیسور استفان والت^۱ اذعان می کند که جنگ اوکراین نشانه پایان «دوران تک قطبی گرایی» (سال های ۱۹۹۳ تا ۲۰۲۰) آمریکا است که طی آن دوره، آمریکا تنها ابرقدرت جهان بود. جنگ اوکراین نشان دهنده بازگشت به الگوهای قبلی روابط سیاسی جهان است که موقتاً تحت الشعاع برتری بلامنزاع آمریکا قرار گرفته بودند. بایدن مردم سالاری را «شکونده» خواند. همچنین پوتین در مصاحبه با مجله فایننشال تایمز در ژوئن ۲۰۱۹ گفته است «ایده لیبرالیسم بیشتر از [مدت زمان لازم برای تحقق] هدفش دوام آورده است» و اینکه «هر جنایتی باید مکافات مربوط به خود را داشته باشد. ایده لیبرالیسم منسوخ شده است و در تعارض با منافع اکثریت جامعه [جهانی] است.»

۲) فرضیه دوم حاکی از فقدان یک نظم جهانی باثبات طی دوره پس از جنگ سرد است. بیشتر تعاملات پویای سیاسی در روابط بین المللی تلویحاً مجموعه ای از بازی های قدرت بین چین، روسیه، آمریکا، و اروپا بوده است. عامل تنش های ژئوپلیتیک اخیر و جنگ اوکراین تلاش کشورها برای ایجاد یک نظام چندقطبی جدید و اهمیت یافتن ژئوپلیتیک بازیگران دیگر به ویژه چین و روسیه و برخی قدرت های منطقه ای مثل فرانسه، ترکیه، ایران، و هند بوده است؛ از طرفی استرالیا وارد پیمان نامه آکوس^۲ با آمریکا و انگلستان شده است. با این حال پوتین معتقد است جهان در وضعیت آشفتگی قرار دارد زیرا «اساساً هیچ قانونی وجود ندارد.» او با ابراز خرسندی به برخی از فواید جنگ سرد اشاره می کند چرا که «[در دوره جنگ سرد] حداقل چند قانون وجود داشت که همه طرف ها در روابط بین المللی کم و بیش به آن پایبند بودند.» مارک ساکسر^۳ در مقاله ای با عنوان «نظم جهانی

^۱ Professor Stephan Walt

^۲ پیمان نامه امنیتی سه جانبه بین استرالیا، ایالات متحده و انگلستان (AUKUS).

^۳ Marc Saxer

آینده» بیان می‌کند که روسیه «قدرت خود را بیش از حد واقعی برآورد کرده است» و «فقط چین و آمریکا دو قدرتی هستند که می‌توانند نظم جهانی را تعیین کنند و حفظ نمایند.» او نتیجه‌گیری می‌کند که آمریکا و چین برای کسب برتری در سطح جهانی متقاعد شده‌اند که رقابت آن‌ها نباید به سمت «مناقشه [از نوع] اروپایی» [مثل جنگ اوکراین] کشیده شود. تحلیل‌ها درباره فرضیه دوم بیشتر به گوش می‌رسد که جنگ اوکراین را بخشی از منازعه یا رقابتی می‌دانند که قدرت‌های بزرگ بتوانند از طریق آن نظم نوین جهانی را شکل دهند. روسیه و چین برای مقابله با امپراتوری بزرگ آمریکا به خوبی آماده شده‌اند و جایگاه‌یابی کرده‌اند. در یادار بازنشسته نیروی دریایی آمریکا و فرمانده سابق ناتو در اروپا معتقد است که در سال ۱۹۵۰ یک نظام جهانی شکل گرفت که اگر آن نظام را یک خودروی خوب در نظر بگیرید، این خودرو الان کهنه و فرسوده شده است و می‌تواند تعمیر کامل شود، اما در حال حرکت است. پوتین در طی یک هفته بیش از هر شخص دیگری که به‌خاطر دارم این خودرو را به حرکت درآورده است.» (Cherkaoui, ۲۰۲۲: ۲۲-۲۵)

محیط‌شناسی سناریوهای جنگ روسیه و اوکراین

در روندی موازی، روس‌ها به نوعی متمایل به سیاست خروج آبرومندانانه از این جنگ و جلوگیری از فرسایشی شدن آن از طریق گفتگو و گرفتن امتیازهای مد نظر در مذاکرات هستند. سیاستی که با گذشت هر روز از جنگ و تلاش آمریکا و کشورهای غربی برای تداوم جنگ و تحمیل شکست بر روسیه و همچنین انگیزه بالای اوکراین برای بازپس‌گیری همه مناطق اشغال شده، برای روسیه سخت‌تر می‌شود. یکی از مسائل پیش رو در جنگ اوکراین، تردید راهبردی غرب برای شکل دادن به نتیجه جنگ است. به نظر می‌رسد طرف‌های غربی در ناتو برای در اختیار گذاشتن سطحی از کمک تسلیحاتی به اوکراین که نتیجه جنگ را به سمت شکست نظامی روسیه بکشاند، تردید دارند. از منظر استراتژیست‌های غربی شکل‌گیری روندی که دورنمای آن شکست روسیه در صحنه جنگ متعارف باشد، ممکن است زنگ خطر جنگ هسته‌ای را فعال نماید. از این رو می‌توان گفت جنگ اوکراین در حال ورود به مرحله‌ای است که نه می‌تواند به پیروزی یکی طرف بینجامد و نه می‌تواند بدون دستاورد خاصی برای طرفین در این مرحله خاتمه پیدا کند.

سه سناریو برای بحران اوکراین پیش از آغاز جنگ

سناریوی اول: بی‌تفاوتی بود که در آن اوکراین هر کاری که مایل بود (پیوستن به ناتو و...) انجام دهد و روس‌ها عکس‌العمل جدی از خود نشان ندهند؛ زیرا در نهایت تکلیف موازنه قوا در اروپا



را تسلیحات هسته‌ای مشخص می‌کند. این سناریو، برای روس‌ها پر هزینه و در رویارویی‌های متعارف احتمالی غیر قابل اتکا بود.

سناریوی دوم: روس‌ها تصور داشتند با یک حمله رعدآسا، کیف را تصرف کنند. در این سناریو ریسک مخاطرات نظامی غیر قابل پیش‌بینی برای روس‌ها قابل تصور بود و علاوه بر آن اقتصاد ضعیف روسیه را در برابر فشارهای اقتصادی قرار می‌داد.

سناریوی سوم: به هر طریق ممکن، از پیوستن اوکراین به ناتو، بدون یک عملیات نظامی بزرگ جلوگیری شود. این امر چگونه ممکن بود؟ با شکل‌دهی به موازنه وحشت (قدرت افکنی راهبردی) و ایجاد چالش‌های نظامی، امنیتی و سرزمینی برای اوکراین. مطابق رویه جاری در ناتو، کشورهای دارای مشکلات امنیتی نظیر جدایی‌طلبی، اختلافات مرزی، سرزمین‌های تصرف شده و... به عضویت این پیمان در نخواهند آمد و روس‌ها به خوبی از این مسئله آگاه بودند. بنابراین روسیه در ادامه تصرف کریمه، ایجاد بحران نظامی - امنیتی در شرق اوکراین و ناامن کردن مجدد شرق اوکراین و ایجاد جنگ داخلی بین دولت اوکراین و جدایی‌طلبان شرق این کشور، می‌توانست از پیوستن این کشور به ناتو نیز جلوگیری نماید. در واقع، به نظر می‌رسد منطقی‌ترین و کم هزینه‌ترین راهبرد پیش روی روسیه، سناریوی سوم، یعنی موازنه راهبردی وحشت همزمان با ورود غیرمستقیم و ایجاد چالش‌های نظامی، امنیتی و سرزمینی برای اوکراین بود تا این کشور و ناتو را در موضوع انفعال قرار دهد و موضوع الحاق اوکراین به ناتو را به عقب بیااندازد. (مه‌دی‌ان، ۱۴۰۱: ۶)

انتخاب سناریوی دوم و شروع جنگ

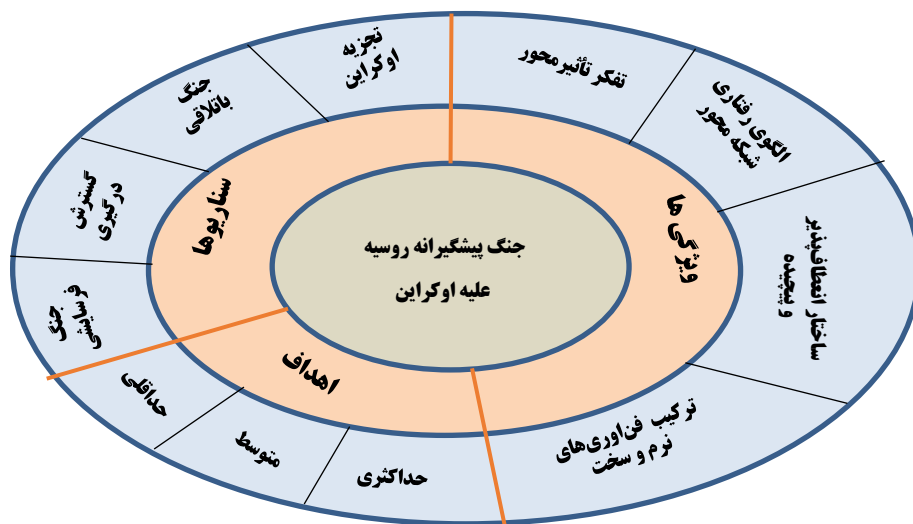
روس‌ها به دلایل زیر سناریوی دوم، یعنی حمله تمام عیار به اوکراین را انتخاب کردند:

- ۱- مد نظر قرار دادن اینکه اوکراین جزو اعضای ناتو نیست، و در نتیجه خطر ورود مستقیم ناتو به جنگ وجود نداشته و تقریباً نزدیک به صفر است.
- ۲- ارتش اوکراین از نظر کمی و کیفی از ارتش روسیه ضعیف‌تر است و احتمال پیروزی در یک حمله تمام عیار برق‌آسا را قطعی تصور می‌کردند.
- ۳- در سطح کلان نیز تجربه انفعال اروپا و ساختار نظام بین‌الملل در برابر الحاق کریمه و اشغال مناطق شرقی اوکراین، روس‌ها را به سمت اتخاذ راهبرد تهاجم همه جانبه به سمت اوکراین سوق داد. علاوه بر توزان قدرت راهبردی، روس‌ها با مد نظر قرار دادن شرایط و دست برتر خود در

ساختار ژئواثری جهانی و وابستگی مشهود اروپایی‌ها به انرژی این کشور، این تصور را داشتند که کشورهای اروپایی توان تحریم اقتصادی روسیه را ندارند. (مهدیان، ۱۴۰۱: ۷)

مدل مفهومی تحقیق

بر اساس چارچوب نظری تحقق، جنگ روسیه و اوکراین در قالب جنگ پیشگیرانه مورد بررسی قرار گرفته است، بنابراین با توجه به ویژگی‌های جنگ پیشگیرانه و بر اساس سوالات تحقیق و همچنین طبق نظر خبرگان و صاحب‌نظران مدل مفهومی طبق شکل زیر می‌باشد. در این شکل سه هدف و چهار سناریو و چهار ویژگی برای جنگ روسیه و اوکراین بیان شده است که در شکل‌گیری نظم نوین جهانی به صورت نظم چند قطبی موثر است.



شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق

روش‌شناسی

این پژوهش دانش موجود را نسبت به موضوع تحقیق، افزایش داده است، به همین دلیل کاربردی و تصمیم‌گرا می‌باشد، در این پژوهش نظریه‌پردازی مورد نظر نمی‌باشد، به همین دلیل با روش اکتشافی و تحلیل محتوا، بصورت کیفی نظام‌مند انجام گردیده است، روش گردآوری داده‌ها اسنادی و کتابخانه‌ای است. خبرگان شامل ۱۰ نفر از فرماندهان و اعضای کارگروه جنگ روسیه و اوکراین در نیروهای مسلح بوده که به‌طور میدانی صحنه جنگ روسیه و اوکراین را بازدید نموده‌اند. محقق پس از مصاحبه با ۱۰ نفر به اشباع نظری رسیده است، تجزیه و تحلیل یافته‌ها و متن مصاحبه بر اساس



روش تحلیل محتوا انجام شده است. در این روش اهداف، سناریوها و ویژگی‌های جنگ روسیه و اوکراین بصورت مقوله و گزاره از متن مصاحبه و اسناد استخراج شده و با هم تلفیق شده است، به همین دلیل از روایی و پایایی لازم برخوردار است.

از نظر زمانی همزمان با آغاز عملیات ویژه روسیه علیه اوکراین در سال ۲۰۲۲ میلادی می‌باشد و از نظر مکانی و موضوعی شامل اثرگذاری صحنه جنگ روسیه و اوکراین در نظم نوین جهانی است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

اهداف کمی و کیفی روسیه از اجرای عملیات ویژه نظامی در اوکراین

بر اساس مصاحبه به عمل آمده با ۱۰ نفر از خبرگان و صاحب‌نظران و همچنین تحلیل محتوای انجام شده از اسناد و منابع مطالعاتی، طبق جدول زیر، اهداف روسیه از اجرای عملیات ویژه نظامی در اوکراین در ۵ محور قابل جمع بندی است. مقوله‌ها و گزاره‌ها با میانگین بالای ۴ مورد تأیید خبرگان قرار گرفته است، بنابراین از روایی و پایایی بالای برخوردار هستند.

جدول شماره ۱: کد گذاری باز، محوری و انتخابی اهداف روسیه از اجرای عملیات ویژه نظامی در اوکراین

ردیف	مقوله	گزاره	میانگین
۱	۱- صرف نظر کردن آمریکا از ورود اوکراین به ناتو ۲- روسیه دومینو گسترش اعضای ناتو را یک نگرانی اساسی برای منافع و امنیت ملی خود می‌داند ۳- خلع سلاح و بیطرف سازی نظامی اوکراین	احساس ناامنی روسیه از گسترش ناتو به شرق	۴.۳
۲	۱- روسیه به دنبال ضمیمه کردن اوکراین به خاک خود خواهد بود ۲- به رسمیت شناختن استقلال جمهوری های دونتسک و لوهانسک	نفوذ و اقتدار سنتی روسیه در شرق اروپا	۴.۳
۳	۱- دخالت نظامی روسیه در سوریه ۲- حمله نظامی آمریکا به عراق ۳- دیپلماسی عمومی و قدرت نرم روسیه	پایه ریزی نظم نوین جهانی	۴.۲
۴	۱- ویژگی‌های شخصیتی و روانشناسی شخصی پوتین ۲- سنت فرمانروایی و حکمرانی در روسیه	حکمرانی جاه طلبانه در روسیه	۴.۱
۵	۱- درخواست عضویت روسیه در ناتو و اتحادیه اروپا ۲- روس‌ها هویتی غیر از مردمان اروپایی دارند ۳- احیای مجدد امپراتوری روسیه	مخالفت با اروپایی سازی روسیه	۴

بر اساس مقوله‌ها و گزاره‌های به‌دست آمده در جدول شماره ۱ روسیه دارای ۵ هدف عمده در اوکراین می‌باشد:

۱- مهم‌ترین دلیل "احساس ناامنی روز افزون" روسیه از دایره گسترش کشورهای عضو ناتو در اروپای شرقی و در امتداد مرزهای غربی روسیه است: این موضوع در مذاکرات صلح نمایندگان روسیه و اوکراین در کشور بلاروس با صراحت به عنوان اصلی‌ترین درخواست روسیه مطرح شده است. تضمین صرف نظر کردن آمریکا از ورود اوکراین به ناتو این تضمین امنیتی را به روسیه می‌دهد که سایر کشورها اوکراین را سرمشق و سرلوحه اقدامات خود قرار ندهند. به طور کلی روسیه دومینو گسترش اعضای ناتو را یک "نگرانی اساسی" برای منافع و امنیت ملی خود می‌داند. در واقع روسیه در برابر غرب خواهان گرفتن "تضمینات امنیتی" است که گسترش روز افزون ناتو متوقف خواهد شد و در نتیجه بخش اعظم نگرانی‌های امنیتی روسیه مرتفع خواهد گردید. در این رابطه گرفتن تضمین از غرب در خصوص "خلع سلاح و بیطرف سازی نظامی اوکراین"، "ایجاد بازدارندگی بر سایر کشورها" (بلاروس و گرجستان) که هیچگاه در یک اتحادیه و صف بندی علیه منافع و امنیت ملی روسیه قرار نخواهند گرفت و "سیاست حسن همجواری" را سرلوحه اقدامات خود قرار خواهند داد. این موضوع به "افزایش قدرت چانه زنی روسیه در برابر آمریکا" در حل و فصل سایر موضوعات امنیتی مهم چون حذف تهدیدات امنیتی ناشی از استقرار و افزایش سلاح‌های هسته‌ای آمریکا در اروپا و همسایگی روسیه نیز موثر خواهد بود.

۲- حفظ حوزه کنترل، نفوذ و اقتدار سنتی روسیه در شرق اروپا: با در نظر گرفتن اجرای عملیات نظامی ویژه و پیش‌دستانه در اوکراین و بازپس‌گیری کامل شبه جزیره کریمه در سال‌های گذشته روسیه ابتدا به دنبال ضمیمه کردن اوکراین به خاک خود خواهد بود، در مراحل بعد برنامه روسیه ساقط کردن دولت غرب‌گرای "ولودیمیر زلنسکی" و ایجاد دولت مستقل در کی‌یف و در نتیجه منطقی سازی سیاست داخلی و خارجی اوکراین و در ادامه تحقق خودمختاری و به رسمیت شناختن استقلال جمهوری‌های دونتسک و لوهانسک که اکثریت مردمان این مناطق روس تبار نیز هستند. در این صورت نیروهای نظامی روسیه به عنوان "نیروهای حافظ صلح در مناطق مستقل" دارای مشروعیت حضور و اقدام خواهند بود. در مورد حمایت روسیه از این جمهوری تازه تاسیس لازم به ذکر است که به درستی روسیه معتقد است که دیدگاه حاکم بر دولت غرب‌گرای اوکراین راجع به جمعیت روس تبار این مناطق دیدگاه منفی و نژادپرستانه است و آنان را ستون پنجم و عامل تحقق



اهداف روس‌ها در خاک اوکراین می‌دانند. در سالیان اخیر به دفعات اقدامات غیرانسانی و تبعیض-آمیز دولت اوکراین در مناطق جمعیتی روس‌تبار دونتسک و لوهانسک مورد اعتراض روس‌ها واقع شده است و مردم این مناطق بارها خواستار پیوستن به روسیه بودند. در مورد مشابه کریمه، محافظت از روس‌تباران و روس‌زبانان در برابر تبعیض و سیاست‌های نژادپرستانه دولت اوکراین، تعهد و الزامات اخلاقی لازم را برای روسیه در اقدامات نظامی فراهم می‌نماید.

۳- پایه ریزی نظم نوین جهانی با تاکید بر نقش جهانی و منطقه‌ای روسیه در مدیریت تحولات و تنظیم دستورالعمل‌های جهانی: در این رابطه دخالت نظامی روسیه در سوریه و در حمایت از “بشار اسد” را می‌توان جدی‌ترین آزمون و ترک در نظم نوین جهانی آمریکایی پس از جنگ دوم جهانی دانست. موضوعی که در آمریکا و غرب به آسانی از آن عبور شد. پس از سقوط شوروی و افول نقش و جایگاه روسیه در معادلات جهانی و منطقه‌ای تا سالیان متمادی به دلایل ضعف و از هم پاشیدگی داخلی، روسیه لاجرم سیاست خارجی خود را در همراهی، سکوت و مدارا با سیاست‌های آمریکا تعریف کرد و نمود بیرونی آن در سیاست خارجی روسیه و انعکاس آن در ساختار نهادمحور جهانی در سازمان‌های بین‌المللی به شکل همراهی و تأیید ضمنی حمله نظامی آمریکا به عراق بود. همراهی و تأیید ضمنی سیاست‌های آمریکا و غرب در طول سالیان اخیر بخش قابل توجهی از قدرت بین‌المللی، پرستیژ جهانی، دیپلماسی عمومی و قدرت نرم روسیه را در جهان و حتی در بین هم‌پیمانان آن تضعیف و تخریب نمود. اقدام نظامی روسیه در خاک سوریه به نوعی اولین اقدام این کشور در اعاده حیثیت و ارائه چهره مستقل و صاحب‌فکر و عمل در عرصه بین‌المللی بود. از این منظر اقدامات گسترده آمریکا و غرب در برابر روسیه در جهت بازگرداندن تعادل و ثبات به سیستم و نظم جهانی است که از طرف روسیه مورد چالش و طغیان قرار گرفته است.

۴- سنت حکمرانی جاه طلبانه در روسیه: بسیاری از صاحب‌نظران روابط بین‌الملل اقدام اخیر روسیه را به ویژگی‌های شخصیتی و روانشناسی شخصی پوتین تقلیل می‌دهند. آنها به جاه‌طلبی‌های گسترده او اشاره می‌کنند، اما واقعیت چیز دیگری است. پوتین جاه طلب نیست بلکه سنت فرمانروایی و حکمرانی در روسیه از رهبران این کشور انسان‌های جاه طلب و بلند پرواز ایجاد می‌کند، در حقیقت دامان فرهنگ سیاسی روسیه فرزندان مستبد و جاه طلب تولید می‌کند. جاه‌طلبی بخش جدایی‌ناپذیر هویت حکمرانان روسیه است، در واقع بهتر است گفته شود پوتین برای خود یک نقش، وظیفه، جایگاه تاریخی در نظر دارد، چگونه قضاوت شدن برای آیندگان روس برای او

مهم است. پاسخ به این پرسش که آیا او فرزند خلف و وطن پرستی بوده است؟ در این رابطه «ایوان ایلین» به عنوان مبلغ اصلی فاشیسم مسیحی که تاثیر شگرفی بر اندیشه های پوتین دارد بر جایگاه و نقش ملت روس به عنوان ملتی درستکار با رهبری مقتدر در نجات جهان تاکید دارد. وی زمانی گفته بود که «روسیه نیروی روحی خود را از خداوند می‌گیرد و از این رو در معرض حمله دائمی از بخش‌های شرور جهان است». «وظیفه ما» (روسها) و ماموریت الهی روسیه برای مبارزه با «از هم‌گسیختگی موجودیت بشر» و دفع «شر تاریخ» کاملاً منطبق با تفکرات پوتین است. ایلین بر «وحدت ارگانیک زنده» روسیه تاکید داشت و اوکراینی‌ها را بخشی از این وحدت می‌دانست.

۵- **عدم موافقت آمریکا در وارد نمودن روسیه به فرایند «اروپایی سازی»:** پس از فروپاشی شوروی روس‌ها به دفعات درخواست عضویت در ناتو و عضویت کامل در اتحادیه اروپا را مطرح نمودند. موضوعی که هر بار با بی‌رغبتی و بی‌توجهی آمریکا و متحدان غربی آن رو برو شد. آمریکا و غرب تصمیم گرفت «دگر خود» را (عامل عینی یا ذهنی پیوند دهنده و متحد کننده آمریکا و بلوک بندی غرب در یک راستا و در یک جهت) همچنان روسیه تعریف نماید. این موضوع ضمن تحقیر و جریحه دار نمودن غرور ملی روس‌ها، بستر لازم تضعیف جناح لیبرال دموکرات و تقویت جناح اقتدارگرا در روسیه را نیز فراهم نمود و زمینه پدید آمدن یک دولت ضد آمریکایی و غربی در روسیه را تسهیل نمود. این محرومیت سبب شد که روس‌ها هویتی غیر از مردمان اروپایی برای خود تعریف نمایند، هویتی مستقل با اهداف و چشم انداز متفاوت از سیر کلی اروپا. این مهم سبب شد که روسیه نوامید از همکاری با غرب، سودای احیای مجدد امپراتوری روسیه از طریق چیرگی مجدد بر کلیت هارتلند، یعنی همان قلمرو پیشین شوروی را احیا نماید، روس‌ها به تلخی دریافتند که اعتماد به غرب و امید به احزاب لیبرال دموکرات بی‌نتیجه است.

وضعیت‌های احتمالی و پیش‌رو در ادامه جنگ برای طرفین درگیر

بر اساس مصاحبه به‌عمل آمده با ۱۰ نفر از خبرگان و صاحب‌نظران و همچنین تحلیل محتوای انجام شده از اسناد و منابع مطالعاتی، سناریوهای جنگ روسیه و اوکراین در ۴ محور قابل جمع بندی است. مقوله‌ها و گزاره‌ها با میانگین بالای ۴ مورد تأیید خبرگان قرار گرفته است، بنابراین از روایی و پایایی بالای برخوردار هستند.

جدول شماره ۲: کد گذاری باز، محوری و انتخابی از سناریوهای جنگ روسیه و اوکراین

ردیف	مقوله	گزاره	میانگین
۱	حمله به اوکراین - گرجستان مولداوی	گسترش درگیری	۴.۲



۲	توسعه جنگ نظامی - تحریم اقتصادی - انزوای سیاسی	جنگ فرسایشی	۴.۱
۳	غافلگیری روسیه - زنجیره تأمین نظامی روسیه - جنگ شهری ویرانگر	جنگ باتلاقی	۴
۴	تجزیه اوکراین به دو بخش شرقی و غربی	تجزیه اوکراین	۴

بر اساس مقوله‌ها و گزاره‌های جدول ۲ سناریوهای جنگ روسیه و اوکراین عبارتند از:

۱- **درگیری گسترش یابد:** اوکراین با چهار عضو ناتو، که زمانی بخشی از اتحاد جماهیر شوروی به حساب می‌آمدند، مرز مشترک دارد و پوتین حسرت خود را برای دوباره در اختیار گرفتن آن‌ها پنهان نمی‌کند. پس از جذب بلاروس و حمله به اوکراین، آیا او می‌تواند به مولداوی، این کشور کوچک که بین اوکراین و رومانی قرار دارد، و یا حتی گرجستان که در ساحل شرقی دریای سیاه قرار گرفته چشم طمع داشته باشد؟ علاوه بر این آیا روسیه جرأت خواهد کرد که ناتو و ماده ۵ آن را، که تصریح دارد در صورت حمله به یکی از اعضا ائتلاف باید پاسخ دهد، به چالش بکشد؟ پاسکال آسور، مدیر بنیاد مدیترانه برای مطالعات استراتژی در این باره می‌گوید: «این احتمال کمی دارد چرا که هر دو طرف معمولاً از رویارویی اجتناب کرده‌اند.» با این حال، «ورود نیروهای روسی به یک کشور عضو ناتو، به عنوان مثال لیتوانی، برای اتصال کالیفرنیا به بلاروس یک فرض ممکن است.

۲- **جنگ فرسایشی:** رویکرد طرف آمریکایی - انگلیسی به جنگ اوکراین بیشتر متمایل به این وضعیت است. به گونه ای که روسیه درگیر جنگ نظامی، تحریم اقتصادی و انزوای سیاسی باقی بماند و جای پای جریان فراتلانتیک در اروپا هر چه بیشتر محکم شود، تا زمانی که این جنگ همانند جنگ افغانستان به تحولات داخلی در روسیه منجر گردد.

۳- **گرفتار شدن روسیه در باتلاق:** اوکراینی‌ها توانسته‌اند روس‌ها، غرب و شاید حتی خودشان را غافلگیر کنند حتی اگر بپذیریم ویرانی و تلفات نزاع برایشان بسیار زیاد بوده است. مردم اوکراین روس‌ها را به عنوان نیروی «رهای بخش» قبول نکرده‌اند؛ این علاوه بر مشکلاتی است که احتمالاً در زنجیره نظامی روسیه وجود دارد و البته برای کیفیت‌سنجی آن‌ها خیلی زود است. مقاومت عمده تا حد زیادی توسط ولودیمیر زلنسکی، انجام می‌شود که با خونسردی و شجاعت خود جهان را مبهوت کرده است. نیروهای اوکراینی با پشتیبانی سرویس‌های اطلاعاتی غربی و تحویل گرفتن تسلیحات می‌توانند دشمن خود را به یک جنگ شهری ویرانگر بکشانند؛ جایی که آگاهی از وضعیت زمین تعیین‌کننده خواهد بود. در این صورت تجربه نشان داده است که چریک‌ها به ندرت شکست می‌خورند. کشیده شدن درگیری‌ها به جنگ شهری می‌تواند به نقطه قوت اوکراین تبدیل شود.

۴- **تجزیه اوکراین:** هرچند مخاصمات میان قدرتهای اروپایی در شکل جنگ سرد همواره طولانی بوده اما جنگهای نظامی اروپایی طی یک قرن گذشته زیاد طولانی نبوده اند، بخصوص جنگهای داخلی مثل بوسنی و کوزوو. در مقابل تجربه در اروپا از راههای ظاهرا دموکراتیک کم نیست. بر اساس این تجارب، ممکن است اوکراین نیز به سرنوشت یوگسلاوی و صربستان دچار شود. یعنی یک جنگ کوتاه مدت تا یکی دو سال و سپس تجزیه اوکراین به دو بخش شرقی تحت تسلط روسیه و غربی. به این ترتیب پوتین به بخشی از اهداف خود در کوتاه مدت دست می‌یابد اما تجزیه اوکراین پایان مشکلات روسیه با اروپا و آمریکا نخواهد بود و ممکن است فضای جنگ سرد میان آنها مدت زمان طولانی طول بکشد. این سناریو محتمل تر از بقیه به نظر می‌رسد.

ویژگی‌های جنگ آینده بر اساس دیدگاه صاحب‌نظران مختلف

ویژگی‌های مختلف جنگ آینده از دیدگاه صاحب‌نظران در دسته‌های مختلف گردآوری شده است. در ارتباط با ویژگی‌های بارز جنگ آینده، دیدگاه‌ها و نظرات اندیشمندان حوزه‌ی ادبیات نظامی، متفاوت است. هر کدام از این اندیشمندان، ابعادی از ویژگی‌های جنگ‌های آینده را در آثار دفاعی و نظامی خود مطرح کرده‌اند که در بیشتر موارد، مشابه هم بوده و یا تفاوت‌های اندکی با هم دارند. جدول ذیل جمع‌بندی و تلفیق دیدگاه خبرگان در مورد ویژگی‌های جنگ آینده است:

جدول ۳: ویژگی‌های جنگ آینده طبق نظر خبرگان

ردیف	ویژگی‌های جنگ آینده	ردیف	ویژگی‌های جنگ آینده
۱	چندوجهی بودن	۱۳	عملیات پر شدت و متمرکز
۲	شناخت محوری	۱۴	سیالیت صحنه عملیات
۳	هوشمندی	۱۵	حمله به توانمندی‌های راهبردی
۴	تأثیر محوری	۱۶	عملیات روانی گسترده
۵	فناورپایه‌گی	۱۷	کاهش چرخه زمان بین اطلاعات و عملیات
۶	قابلیت محوری	۱۸	دور ایستایی
۷	مردم‌پایه‌گی	۱۹	نزدیکی سطوح راهبردی با عملیاتی و راهکنشی جنگ
۸	فرماندهی و کنترل برخط و افقی	۲۰	استفاده حداقلی از نیروی زمینی
۹	اشراف اطلاعاتی	۲۱	استفاده از گروه‌های تروریستی
۱۰	ارزش محوری و آرمان محوری	۲۲	ناهمگونی



ردیف	ویژگی‌های جنگ آینده	ردیف	ویژگی‌های جنگ آینده
۱۱	درهم‌تنیدگی تهدیدهای نظامی با تهدیدهای امنیتی	۲۳	نابرابری
۱۲	عملیات مخصوص	۲۴	بسیج مولفه‌های قدرت ملی

پیامدهای جنگ روسیه و اوکراین بر نظم جهانی

در اینکه نظم پیشین که مبتنی بر قدرت تک قطبی آمریکا در عرصه جهانی بود، از بین رفته است، شکی نیست اما شاید بازیگر بین المللی که این نظم را از بین برده، روسیه نباشد و مجموعه کشورهایایی که در مقابل سلطه گری و زیاده خواهی ایستاده اند، روند مقابله با نظم جهانی مد نظر آمریکا را از سالها پیش آغاز کرده اند. ایستادگی و مقاومت کشورهای محورمقاومت در مقابل زیاده خواهی های غرب و دولت دست نشانده آنها در سرزمین های اشغالی، مقاومت در برابر تجاوز ائتلاف عربی به یمن و مقاومت در برابر خواست غرب برای ساقط کردن نظام سیاسی در سوریه، نمونه هایی از نقاط کانونی مقابله با نظم جهانی مد نظر آمریکا بود که از زمان دولت جورج بوش پدر، به اجرا درآمده و برای نهادینه شدن آن هزینه زیادی از سوی ایالات متحده انجام شده بود. جنگ روسیه با اوکراین با این حال نقطه عطف بزرگی در روند افول نظم جهانی مد نظر آمریکا بود. حمله روسیه به کشور همسایه اش برای خلع سلاح کردن این کشور، از جمله اتفاقاتی بود که نظم آمریکایی را با چالش زیادی مواجه کرد. روسیه حالا شاید نظم جهانی مد نظر آمریکا را بر هم زده باشد، اما جرات رویارویی با آمریکا و هدف قرار دادن منافع ایالات متحده در منطقه را در ابتدای امر محور مقاومت از خود نشان داده بود. حالا بعد از سال ها، روسیه نیز به این نتیجه رسیده است باید سهم خود در افول قدرت غرب و به خصوص آمریکا را به انجام برساند. روسیه در جنگ اوکراین نه تنها موجودیت و شأنت سازمانهای بین المللی و نظم جهانی مورد نظر ایالات متحده را زیر سوال برد بلکه سیستم اقتصادی، امنیت جهانی انرژی و حتی نظم موجود در چرخه تولید و توزیع کالاها در دنیا را از بین برد. البته رهاورد مسکو از این جنگ تمام عیار علیه وضعیت موجود، رسیدن به منافع ملی اش نبوده است. آرمانی ترین وضعیت برای مسکو این بود که زلنسکی خواسته های امنیتی مسکو را بپذیرد و درخواست عضویت در ناتو و اتحادیه اروپا را پس بگیرد و کشورش را به پایگاه نظامی و تسلیحاتی و اطلاعاتی غرب علیه روسیه تبدیل نکند. در این بازی اوکراین مانند تمام سالهای گذشته طرف آمریکا و غرب ایستاد و بعد از طرد شدن توسط آنها، حالا به زمین جنگ نیابتی دو طرف تبدیل شده است. نظم جدید جهانی با تاکید جدی بر اصلاح

ساختار سازمان‌های بین‌المللی، توزیع دوباره قدرت در جهان و همچنین چند قطبی بودن دنیا، مدت‌های زیادی است در حال شکل‌گیری است. روسیه شاید از برداشتن یک گام مهم در جهت به چالش کشیدن نظم جهانی مورد نظر آمریکا، در کوتاه مدت زیانهای اقتصادی و مالی ببیند اما به خوبی روند موجود در جهان را درک کرده است. این روندی است که کشورهای گروه مقاومت، کشورهای حوزه آمریکای لاتین و سایر کشورهای مقابله‌کننده با استکبار جهانی سالها پیش آغاز کرده بودند و حالا با پیوستن روسیه، زمینه ساز افول جدی آمریکا در عرصه جهانی می‌باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد:

الف - نتیجه‌گیری

پاسخ سوال اصلی تحقیق اهداف، سناریوها و ویژگی‌های جنگ روسیه و اوکراین و پیامدهای آن بر نظم جهانی:

روسیه دارای سه هدف مهم بود که به هدف حداقلی یعنی کنترل منطقه دونباس دست یافته است. روسیه دارای سه سناریو بود که به سناریو حداکثری یعنی اتصال زمینی شبه جزیره کریمه به خاک روسیه از طریق منطقه دونباس و قطع ارتباط دریایی اوکراین با دریای آزوف دست یافته است. این جنگ دارای ۳۵ ویژگی اساسی است. مهمترین پیامد جنگ بازگشت جهان چند قطبی و پایان جهان تک قطبی است که دلالت بر آغاز دوران جدیدی در روابط بین‌الملل دارد. روسیه از نظر نظامی به حداقل اهداف اعلامی رسیده است و یا به عبارتی دیگر از نظر شکل نظامی برنده حداقلی جنگ بوده اما از منظر «جنگ روایت‌ها» شکست خورده است. روایت روسیه در مقابل ناتو شکست خورده است. دکترین نظامی اوکراین از «تدافعی به تهاجمی» اما دکترین نظامی روسیه از «تهاجمی به تدافعی» تبدیل شده است، در چنین وضعیتی مذاکره راه نجات است.

پاسخ سوال فرعی اول؛ اهداف و سناریوهای کلی جنگ روسیه و اوکراین عبارتند از:

اهداف روسیه در جنگ عبارتند از: الف - هدف حداکثری: اعمال کنترل بر خاک اوکراین، ب - هدف متوسط: کنترل نصف خاک اوکراین تا رودخانه دنیپر، پ - هدف حداقلی: کنترل منطق دونباس که به روسیه اجازه بدهد یک جاده زمینی به کریمه داشته باشد.

سناریوهای اصلی و فعلی روسیه: تحقق سناریو حداکثری یعنی اتصال زمینی شبه جزیره کریمه به خاک روسیه از طریق منطقه دونباس و شهر ماریوپل و قطع ارتباط دریایی اوکراین با دریای آزوف بوده است. در صورت عدم تحقق این سناریو، روسیه عملاً در باتلاق جنگ فرسایشی گرفتار می‌شود.

۱- تن دادن روسیه به هدف حداقلی: کنترل منطقه دونباس که به روسیه اجازه بدهد یک جاده زمینی به کریمه داشته باشد، بمنظور اتصال زمینی شبه جزیره کریمه به خاک اصلی روسیه و قطع



ارتباط دریایی اوکراین با دریای آزوف بوده است. به همین دلیل روسیه دچار جنگ فرسایشی شده و در صورت تداوم حمایت ناتو گرفتار باتلاق میشود. احتمال اجرای این سناریو واقعی تر به نظر می رسد. (سناریو حداکثری)

۲- در صورت پیروزی روسیه در جنگ موازنه قوا از تک چند قطبی به چند قطبی یا هیئت مدیره ای تبدیل میشود. روسیه برای نیل به پیروزی نیاز به قدرت مکمل دارد، از طرفی ورود قدرت مکمل به جنگ منجر به آغاز جنگ جهانی سوم می شود. احتمال اجرای این سناریو ضعیف تر از سناریوی بالا می باشد. (سناریو متوسط)

۳- در صورت شکست روسیه جهان شاهد یک انقلاب جدید در روسیه خواهد بود. شکست روسیه در سال ۱۹۰۵ در مقابل ژاپن که منجر به شکل گیری رسیه تزاری شد. شکست روسیه در سال ۱۹۱۷ در جنگ جهانی اول که منجر به شکل گیری اتحاد جماهیر شوروی شد- شکست روسیه ۲ سال پس از جنگ در افغانستان که منجر به فروپاشی شوروری و شکل گیری روسیه فعلی شد. احتمال اجرای این سناریو ضعیف است. (سناریو حداقلی)

پاسخ سوال فرعی دوم؛ ویژگی های جنگ روسیه و اوکراین عبارتند از:

۱. تخریب محور بودن جنگ (سنتی و کلاسیک محور)،
۲. تغییر ترکیب و ماهیت صحنه ی نبرد،
۳. فرماندهی غیرتمرکزی،
۴. کنترل تمرکزی،
۵. نبرد خطی و جبهه ای،
۶. غیرتخصصی بودن رزم و عدم استفاده از نیروهای ویژه،
۷. قطعی بودن زمان و موقعیت میدان نبرد،
۸. نامتقارن بودن جنگ،
۹. عدم انطباق سطوح تاکتیکی، عملیاتی و راهبردی جنگ بر هم،
۱۰. ضعیف بودن مدار اطلاعاتی بخصوص چرخش اطلاعات،
۱۱. عدم یکپارچگی سیستم ها و سامانه ها،
۱۲. جنگ کم شدت،
۱۳. هدف قرار دادن اهداف عمیق و راهبردی و مراکز ثقل دشمن،

۱۴. تحرکات بالا و حداکثر استفاده از نفوذهای جبهه‌ای بجای عمیق و کوچک،
۱۵. آفند پیوسته و متناوب و شبانه روزی،
۱۶. استفاده از آفندهای خطی بجای آفندهای مسطح و سه بعدی،
۱۷. عدم استفاده از سامانه‌های پهپادی علیه ستون زرهی روسیه در روزهای اول جنگ،
۱۸. عدم استفاده از تاکتیک‌های جنگ لکه جوهری علیه نیروی زمینی روسیه،
۱۹. عدم استفاده از سامانه‌های پدافندی قوی علیه پرنده‌های روسیه،
۲۰. عدم استفاده از پهپاد برای بمباران مراکز حساس روسیه،
۲۱. ضعف آموزش و روحیه نیروی انسانی طرفین،
۲۲. نداشتن ارتباطات امن بخصوص در طرف روسی،
۲۳. عدم استفاده از مهمات هوشمند بخصوص در آغاز جنگ،
۲۴. عدم استفاده از اخلاص‌گرهای ضد پهپاد،
۲۵. طرح ریزی نامناسب در اجرای عملیات مشترک،
۲۶. ناتوانی روس‌ها در ادغام عناصر کلیدی صحنه نبرد،
۲۷. نحوه مانور و نادیده گرفتن اصل غافل‌گیری،
۲۸. غفلت از جنگ رسانه‌ای،
۲۹. استفاده گسترده از نیروی زرهی که قابلیت جنگیدن در مناطق شهری را ندارد،
۳۰. ضعف نیروی هوایی بخصوص از روز ۲۵ ام جنگ،
۳۱. عدم استفاده از تاکتیک‌های دریایی بخصوص پهپادهای دریایی،
۳۲. عدم استفاده از تاکتیک‌های جنگ شهری و ضعف در مقابل مقاومت مردم اوکراین،
۳۳. ضعف شدید زنجیره تأمین لجستیکی و خدماتی،
۳۴. خطای محاسباتی طراحان روسیه در برآورد اطلاعاتی از وضعیت مردم و ارتش اوکراین،
۳۵. نادیده گرفتن حمایت‌های مالی، لجستیکی و اطلاعاتی آمریکا و اروپا از زلنسکی.

پاسخ سوال فرعی سوم؛ پیامدهای جنگ روسیه و اوکراین بر نظم جهانی

جنگ روسیه و اوکراین جنگ چند قطبی و جنگی علیه هژمونی است. چنانچه شرایط به نفع روسیه تمام شود، این موضوع می‌تواند تغییر نظم بین‌المللی و تمرکز قدرت از غرب به شرق را سرعت بخشد. جنگ در اوکراین دلالت بر آغاز دوران جدیدی در روابط بین‌الملل دارد. اگر چه



غرب، به رهبری ایالات متحده در سال‌های پس از جنگ سرد به زعم خود نظم لیبرال مبتنی بر اصول را مبنای تنظیم روابط بین‌الملل قرار داده‌اند، با این حال به نظر می‌رسد که چنین نظم در حال افول است. اوکراین هم شاخص روشنی از محدودیت‌های حوزه نفوذ جهانی آمریکا در دوره پس از جنگ سرد است و هم نشان‌دهنده میزان توانایی روسیه برای دفاع از آنچه به عنوان حوزه منطقی‌ای خود می‌بیند. جنگ در اوکراین حاکی از بازگشت جهان چند قطبی و پایان جهان تک‌قطبی است، این جنگ، حد فاصل جدایی بین دوره‌ای است که ایالات متحده کل جهان را به عنوان حوزه نفوذ خود می‌دید و دنیای جدید و چند قطبی‌تر که در آن قدرت ایالات متحده محدود است. جنگ در اوکراین سه چیز را در مورد تغییر موازنه قدرت جهانی نشان داده است. اولاً، در حالی که آمریکا ممکن است هنوز مدعی حوزه نفوذ جهانی باشد، در عمل حاضر نیست برای محافظت از اوکراین خطر جنگ هسته‌ای با روسیه را به جان بخرد. تسلیحات، اطلاعات و امور مالی آمریکا بدون شک به ایجاد تعادل در درگیری کمک کرده، اما نیروهای آمریکایی در آن شرکت نمی‌کنند. ثانیاً، حوزه‌های نفوذ به ندرت بدون مناقشه هستند و روسیه تاکنون ثابت کرده که قادر به تحمیل اراده کامل خود بر اوکراین نیست و نتوانسته به اهداف نظامی اولیه و ثانویه خود در این جنگ دست یابد. ثالثاً، در حالی که بسیاری از واکنش‌ها به جنگ در اوکراین به شکل دوقطبی تنظیم شده که تمایل دارد درگیری را به عنوان مبارزه بین روسیه و غرب نشان دهد - پاسخ به جنگ چندان واضح نبوده و در خارج از اروپا، اکثر کشورها رویکرد ظریف‌تری نسبت به بحران اتخاذ کرده اند.

ب- پیشنهادها

- ۱- تشکیل «ائتلاف ارواسیا» با محوریت روسیه، ایران و چین در قالب «دکترین اتحاد» بمنظور کاهش هژمونی آمریکا و جلوگیری از گسترش ناتو به سمت شرق.
- ۲- اتحاد کشورهای آسیایی در مقابل ناتو و مخالفت با حضور آمریکا در منطقه باعث تغییر نظم تک قطبی به چندقطبی می‌شود.
- ۳- مقایسه تطبیقی ویژگی‌های جنگ روسیه و اوکراین با سایر جنگ‌های انجام شده در ۲۰ سال اخیر به‌عنوان درس آموخته، مورد بهره‌برداری نیروهای مسلح ج.ا.ایران قرار گیرد.

فهرست منابع:**الف - منابع فارسی**

۱. بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) دسترسی در سایت www.khamenei.ir.
۲. آقاباقری، محمدجواد (۱۳۹۳)، جنگ پیش‌دستانه، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
۳. افتخاریان، محمدحسین (۱۳۸۰)، دانشنامه جنگ و صلح، همدان، انتشارات مسلم.
۴. افراسیابان، وحید (۱۴۰۱). «سه‌گانه آمریکا، روسیه و اوکراین در ساختار نظام بین‌الملل سال ۲۰۲۲»، پژوهش ملل، سال هفتم شماره ۷۵.
۵. درویش، رضاداد (۱۴۰۱). «جنگ اوکراین؛ درآمدی بر نظم جهانی جدید»، امنیت بین‌الملل، ۵ (۳۷).
۶. سمیعی اصفهانی، علیرضا؛ فرحمند، سارا (۱۴۰۱). «تبیین چرایی و چگونگی شکل‌گیری جنگ روسیه و اوکراین بر پایه نظریه موازنه تهدید»، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، سال دوازدهم شماره ۲.
۷. شریفی، محسن (۱۳۸۲)، تحول دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل با تأکید بر تحولات بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، فصلنامه شماره ۱ سیاست خارجی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۸. زهدی، یعقوب، کلانتری، فتح‌الله، (۱۳۹۶)، رویکردهای حاکم بر جنگ آینده، تهران، انتشارات داغا.
۹. کلانتری، فتح‌الله، (۱۳۹۹)، کاریست سازمان برای رزم و ساختار عملیاتی نزاجا بر اساس سطوح دکترین نظامی و جنگ‌های آینده، فصلنامه شماره ۲ مدیریت نظامی، ص ۱۰.
۱۰. مهدیان، حسین، (۱۴۰۱)، جنگ اوکراین و تحولات نظام بین‌الملل، تهران، انتشارات داغا.

ب - منابع انگلیسی

11. Chenoy, Anuradha M (2022). The Russia-Ukraine war and the changing world order. *Economic and Political Weekly*, 57 (16). pp. 10-13.
12. Hafeznia, M. R. (2022). Scenarios for the Future of the World in Light of the Ukraine Crisis. *Geopolitics Quarterly*, 18(68).
13. Huber, Tomas (2014), *The Report of United States Army Special Operations Command*, New York, Department of Defence U.S.A.
14. Monica, Santa, (2020), *Published by the RAND Corporation, The future of the Russian Military*.
15. Mulligan, William (2022). Erosions, Ruptures, and the Ending of International Orders: Putin's Invasion of Ukraine in Historical Perspective. *Society*, 59. Pp. 259-267.
16. Yefremenko, Dmitry V. (2022). World Order Z: The Irreversibility of Change and Prospects for Survival. *Russia in Global Affairs*, pp. 10-29.
17. Mohammed Cherkaoui (2022). Russia-NATO: Four Political Variants under Review: *Aljazeera center for studies*. Pp 22-25



The results of the war between Russia and Ukraine in the formation of the new world order

By: Fathollah kalantari, Hasan Mohammadi Monfared

Abstract

Russia's main strategy over the past years has been to prevent NATO's advance and influence to the east and Russia's close security environment and prevent Ukraine from joining the European Union. Based on this, during a special operation, which is considered a preventive measure from the Kremlin's point of view, to prevent future threats, the war between Russia and Ukraine began. The main goal of the research is to analyze the characteristics, scenarios and goals of the war between Russia and Ukraine in the formation of the new world order. The type of research is applied and it has been done in a systematic, descriptive-exploratory qualitative method, the method of collecting data is documentary and library and interviews with 10 experts. According to the findings of the research, the features of war are described in 9 different categories, the war between Russia and Ukraine is erosive and both countries are practically caught in the swamp of war. What happened to Ukraine today is the result of trusting the West. Russia followed three maximum, medium and minimum goals in this war, which has reached the minimum goal, which is to control the Donbas region. The research results show that the war between Russia and Ukraine has 35 special features. Russia has won the minimum war in terms of military form, but it has failed from the point of view of the "War of Narratives". Ukraine's military doctrine is shifting from "defensive to deterrence and becoming offensive." Russia's military doctrine has changed from "offensive to defensive" in some areas. The primary result of this war is the formation of the multipolar order and the end of the unipolar order centered on America

Keywords: legitimate defense, preventive war, new order, Russia, Ukraine.